

## آنچه از سرگذشت شد سرگذشت!



پیوسته به گذشته فصل اول بخش یکصد و سی وهفتم :

**مردی** که به لافوکی مشهور بود می گفت من با یکی از سیاستمداران برجسته مذاکره نموده و اونیز به من سفارش مهمی کرده است. پرسیدند چه سفارشی؟! گفت؛ يك روز بیرون اتاق جلسه ایستاده بودم که آن سیاستمدار معروف مرا دید و با دو لب خودش به من گفت؛ برو گمشو مردکه! دیگه اینجا پیدات نشه!



در این هنگامیکه از میهن آبائی و پدری ام هر لحظه جنازه ها و اجساد تیرباران شده ای از نزدیک ترین یاران حیاتم بردروازه ای از امید یک ملت آویزان میکنند و هر لحظه شاهد تیرباران مظلومانه بی گناهان ام که به جرم بی گناهی در مساجد و عبادتگاه ها به دار کشیده می شوند و محاکمه صحرائی می گردند !! در چنین موقعیتی در برج عاج بی تفاوتی نشستن و به چیزی غیر از یاد یاران پرداختن آیا خیانت نیست ؟ اما ما در شرائطی زندگی میکنیم که نه میتوان آرام نشست و بی تفاوت بود .

<https://www.youtube.com/watch?v=YaXK7wWn1UE>

ما باور کامل داریم و در هر پله ای از زندگی که با یاد ارواح مطهر شهیدان نفس میکشیم یاد شهدای ارجمند تاریخ ما و همه مبارزین راستین راه عدالت و آزادی را به مبارزه بی آمان و مسالمت آمیز دعوت میدهند و این دعوت توشه ء راه مبارزه ما محسوب می شود . روح همه شهدا بویژه شهید راه صلح و عدالت دکتر سید علیشاه موسوی یار مبارزه و جهاد عادلانه انسانی و اسلامی ما گرامی باد .

### تسلسل مهره ها در سیاست !

این که از قدیم گفته اند « حرف مرد یکی است » هم از روی تجربه گفته اند و هم از روی حکمت :

<https://www.youtube.com/watch?v=xg3BypsBtOk&feature=youtu.be>

ظاهراً این متولی سابق روضه شریف حواسش خیلی به قول ایرانی ها پرت است و نه میداند و شاید هم فراموش کرده است که فقط چند ماه مختصراً زود گذر در حق همین پهلوان عبدالرشید خان مشهور به پهلوان گلیم جمع چه فرموده بود؟ اما هیچکسی نه میداند که چرا متولی سابق روضه شریف با گرانیش ۳۸۰ درجه تغییر موضع داد و امروز از وی به عنوان یک قهرمان استقبال می کنند؟! اما وقتی پهلوان دوستم بر منبر خطابه قرار گرفت و با ادبیات نهایت ساده گفت :

<https://www.youtube.com/watch?v=kNS7VIEDWdk&feature=youtu.be>

باید از ملت یاد می گرفت و حال هم از ملت یاد بگیرند ، وحدت ، همبستگی نتیجه اش را کل افغانستان هم دید ، جهان هم دید وا( مردم به پا خاسته در شمال ) یک شعار داشت دوستم بیاید و یک شعار داشت ، نظام الدین قیصاری رها شود . نی باز سازی می گفت ، نه برق می گفت ، نه دیگه چیز می گفت این می دو گپ داشت !! این گپ شان منطقی بود و اینرا باید ما گوش می گرفتیم باید که امروز آمدیم در کنار شان هستیم باید در کنار شان می بودیم . هرچند مخاطب اصلی این سخنان به ظاهر ساده اما نهایت معنا دار تیم ارگ برهبری جناب اشرف خان غنی بود اما برای متولی سابق روضه شریف نیز عبرت آور بود . زیرا زمانی همین متولی در یک ضیافت مجلی که بخاطر قدردانی از وی در یکی از هتل های کابل برگزار شده بود بدون آنکه پرسش کننده معینی داشته باشد بصورت واضح فرموده بود :

<https://www.youtube.com/watch?v=1GCpF5MOmgI>

شما به وضاحت می بینید که آقای عطا محمد نور والی سابق بلخ از معامله اش با ارگ بویژه محمد اشرف غنی رئیس حکومت وحدت ملی افغانستان با ارانیه و قرئت طویلی از خواسته هایش که چنان وانمود می شد گویا با داروغه خانقاه ارگ کشور تاریخی افغانستان را به صورت میراث ترکه میکند میگوید : « ۳۰ سفارت دفعتاً به ما ، ۳۰ تا معینیت دفعتاً به ما ، و تعدادی ریاست های مستقل به شمول ارگان های محل وچه ، ده الا پانزده ولایت به ما ، نصف قنصل گری های دنیا به ما ، از این قبیل چیز ها جناب وزیر صاحب ....پانزده تا سناتور انتصابی به ما ..... همه را ( جناب اشرف غنی ) به پیش آمد خوب قبول کرده اند ...



هرچند با انتشار این فهرست تهوع آور ، آقای متولی روضه شریف مجبورگشت که آنرا به عنوان بلند بردن قیمت شرائط دیگرش مطرح کند اما از آنجائیکه سیاست کدام مغازه نیست و نه میتوان با این مفهوم معنوی و تاریخی به سبک تجاری برخورد نمود لهذا از نظر بسیاری از کارشناسان علم سیاست بیان و حتی برزبان آوردن خواسته ها و نیازهای ملی یک کشور آنهم با چنین شیوه و اینگونه ترمولوژی یک امر ناپسندیده تلقی می گردد . واقعیت این است که در کشوری بنام افغانستان از دیر بدینسو قداست مفاهیم از میان رفته است ..

